ریزش خواص در حکومت علوی- ۱۱

نقش منافقان در فتنه افروزی

حجت‌الاسلام دکتر جواد سلیمانی

البتــه اگر مقصود مدائنی از «عرب»، همان خــواص جامعه بوده، کلام مقبولی اســت، ولی اگر مراد او از «عرب» مردم معمولی و یاران آن حضرت بوده باشد، این سخن نیز در خور تأمل است؛ زیرا دیوانی که عمر برای تقسیم بیت‌المال ترتیب داده بود، موجب اختلاف طبقاتی شد. براساس گزارش‌های باقی‌مانده از دیوان مذکور، تفاضل درآمد افراد از بیت‌المال به چندین هزار درهم رسیده بود به گونه‌ای که مردم عادی مدینه بیست و پنج درهم، ولی برخی از خواص مدینه بین چهار، پنج تا دوازده هزار درهم عطا دریافت می‌کردند که این کار مصداق بارزِ بی‌عدالتی در توزیع درآمد بیت‌المال محســوب می‌شد و به صورت طبیعی توده مردم (کسانی را که از امتیازات ویژه محروم بودند) را ناراضی می‌کرد. ازاین‌رو، ســیره حضرت عادلانه بوده و از آنجا که عدالت مایه قوام حکومت و ملایم طبع توده مردم اســت، نمی‌تواند سبب جدایی مردم از حکومت شود. ازاین‌رو، باید سخن امثال مدائنی را بر جدایی خواص (کسانی که طبع زیاده‌خواهی دارند) حمل کرد، نه توده مردم.

از ســوی دیگر اگر عدالت اقتصادی و تقسیم مساوی بیت‌المال را موجب جدایی مردم از علی(ع) بدانیم، باید پرسید چرا زمان رسول خدا(ص) و خلیفــه اول و اوایل حکومت خلیفه دوم که بیت‌المال به صورت مساوی تقســیم می‌شــد، مردم از دور آنان پراکنده نشدند و پایه حکومت‌شان سست نگردید. به علاوه مدائنی خود می‌گوید: عــده‌ای از یاران علی(ع) نزدش آمده و از او خواستند به اشراف عرب و قریش نسبت به موالی و عجم سهم افزون‌تری از بیت‌المال بدهد. این سخن نشان می‌دهد که مقصود از «عرب» همان خــواص منحرف بوده‌اند، نه عوام آنها.

در سال ششــم هجری هنگام بازگشت مســلمانان از غزوه بنی‌مصطلق بین یکی از انصار و یکی از مهاجران بر ســرِ گرفتن آب از چاهــی درگیری به وجود آمد و هریک قبیله خود را به کمک طلبید، عبدالله بن اُبی (سرکرده منافقان مدینه) ســعی کرد این نزاع را که یک دعوای شخصی بود به نزاع قبیلگی بین مهاجران و انصار تبدیل کند؛ ولی رسول‌خدا(ص) بعداز شنیدن فریاد آن دو فرمودند: «رهایشان کنید، این سخن بدبویی است.»

ت. فتنه‌ها

شــاید کســانی گمان کنند علت زوال اقتدار نظام علوی فتنه‌هایی چون قتل عثمان و جنگ با اهل قبله، قرآن بر ســر نِی کردن ســپاه شام، امضای سند تحکیم بوده است؛ زیرا این فتنه‌ها موجب سردرگمی مردم و گمراهی و حیرتشان گردید، به گونه‌ای که تشخیص حق و باطل در آن دشوار گردید و عده زیادی را به انحراف و جدایی از امام علی(ع) کشاند؛ به عنوان نمونه فتنه قتل عثمان، دستاویز جنگ جمل و صفین قرار گرفت به گونه ای که بصریان و شامیان به بهانه خونخواهی عثمان، به جنگ با امیرمؤمنان(ع) آمدند. اساساً اگر عثمان به مرگ طبیعی می‌مرد و علی(ع) به خلافت می‌رسید، حوادث به گونه دیگری رقم می‌خورد؛ ولی بنی‌امیّه عثمان را عمداً به کشتن دادند تا از آن بهره‌برداری کنند، کسی که بیشترین سود را از فتنه قتل عثمان برد، معاویه و کسی که بیش از همه از این فتنه زیان دید، علی (ع) بود.

این سخن تا حدّی قابل قبول است، یعنی فتنه‌هایی که در دوران حکومت امیرمؤمنان(ع) به وقوع پیوســت کاملاً متفاوت با فتنه‌هایی است که قبل از خلافت آن حضرت نمایان می‌گردید؛ اما پرســش این اســت که ما می‌دانیم قبــل از این تاریخ همــواره فتنه‌گرانی در جامعه اســلامی بودند و در زمان رسول خدا(ص) هر از چندی فتنه‌هایی را برپا می‌کردند، چرا وقتی شبیه همین نوع فتنه‌ها در زمان رســول خدا (ص) رخ می‌داد به یک مشــکل گسترده و ریشه‌دار اجتماعی تبدیل نمی‌شد و دستاویزی برای فروپاشی و تضعیف نظام اســلامی قرار نمی‌گرفت؛ ولی در دروان حکومت امیرمؤمنان(ع) شبهه‌ها روز به روز در دل جامعه رســوخ می‌کرد و دامنه فتنه‌ها گسترش می‌یافت. برای تبیین این پرســش و شفاف‌تر شدن سؤال به برخی از فتنه‌های دوران رسول خدا(ص) اشاره می‌کنیم:

در سال ششم هجری هنگام بازگشت مسلمانان از غزوه بنی‌مصطلق بین یکی از انصار و یکی از مهاجران بر سرِ گرفتن آب از چاهی درگیری به وجود آمد و هریک قبیله خود را به کمک طَلبید، عبدالله بن اُبی (سرکرده منافقان مدینه) سعی کرد این نزاع را که یک دعوای شخصی بود به نزاع قبیلگی بین مهاجران و انصار تبدیل کند؛ ولی رسول خدا(ص) بعداز شنیدن فریاد آن دو فرمودند: «دعوها فإنّها منتنة»؛ (رهایشــان کنید، این ســخن بدبویی است). سپس فوراً دستور حرکت را صادر فرمودند و با حرکت لشکر، جوّ آرام شد.

در سال نهم هجری فتنه ساختن مسجد ضِرار در قُبا توسط منافقان با آتش زدن مسجدشان به دستور رسول خدا(ص) در نطفه خفه شد.

سایر فتنه‌های عصر نبوی مانند داستان إفک و اعتراض برخی اصحاب به اعطای سهم ویژه قریش از غنایم جنگ حنین و مانند آن نیز با میانجی‌گری رسول خدا(ص) بعد از مدت کوتاهی حل و فصل می‌شد.

چــرا در زمــان حکومــت امیرمؤمنــان(ع) جامعــه فتنه‌خیز شده بود؟ چرا آتش فتنه به صورت پی‌درپی برافروخته می‌شد و روز به روز دامنه‌اش گســترش می‌یافت؟ چرا توصیه‌های آن حضرت فتنه‌ها را خاموش نمی‌کرد؟

بی‌تردید نقص از امام(ع) نبوده اســت؛ چرا که آن حضرت رهبری معصوم از گناه و خطا و اشتباه بود. بنابراین علت فتنه‌خیز شدن جامعه علوی که بروز و گســترش شک و شبهه، تردید و انحراف، دستمایه بروز آن بــوده را باید در درون جامعه آن زمان جستجو کرد. تا اینجا معلوم گردید سه عامل جنگ‌های داخلی، تقسیم مساوی بیت‌المال و فتنه‌ها، ضربه‌های درخوری به حکومت حضرت امیر(ع) وارد آورده‌اند، اما در این میان سختی‌ها و طولانی شدن جنگ‌ها موجب ایجاد یأس و نومیدی در جامعه و سستی سپاه امیرمؤمنان(ع) در یاری آن حضرت گردید. از این رو سهم حداکثری در تضعیف حکومت حضرت داشت؛ ولی برپاکنندگان جنگ‌ها غالباً نخبگان منحرف و دنیازده و جاه‌طلب و جاهل بوده‌اند. تقســیم مســاوی بیت‌المال نیز گرچه موجب کاهش یافتن منافع برخی از خواص و صاحبان مُکنت شد؛ ولی موجب رضایتمندی توده متوسط و مستضعف گردید. از این رو سهم چندانی در زوال مقبولیت حکومت علوی نداشت؛ اما فتنه‌های پی در پی ناشی از قتل عثمان نیز خود مولود انحراف خواص بود.

از ســوی دیگر شبیه این مشکلات نیز در حکومت رسول خدا(ص) وجود داشــت. به علاوه شخصیت امیرمؤمنان(ع) مانند رسول اکرم(ص) شخصیتی کامل و معصوم بود؛ به گونه‌ای که همه شــرایط لازم و کافی برای مدیریت و حاکمیت جامعه اسلامی را داشت. بنابراین جای این پرسش همچنان باقی است که به چه دلیل هر از چندی غائله و شورشی علیه آن حضرت بروز می‌کرد و روز به روز دامنه‌اش برافروخته‌تر می‌شد.

صفحه پاورقی

روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود

تلفن: ۳۵۲۰۲۱۱۳ Research@kayhan.ir

نیمهٔ پنهان

۲۹۴۵

دفتر پژوهش‌های موسسه کیهان

پرواز ۶۵۵ ۳۵

پس از ۳ روز بیهوشی!

بعد برخاســت و به طرف میزی که در سایه روشــن غروب گوشه اتاق دیده می‌شد، قدمی برداشت. پرسیدم:

- من کجا هستم؟

- درست وسط جنگل سیاهکل. تیرخوردی، کتف و ران سمت راستت زخمی است. سرت شکسته و آرنج دست...

به زور لبخند زدم و درحالی‌که درد شدیدی در سرم حس می‌کردم، گفتم:

- چطور به این‌جا رسیدم؟

مرد گفت:

ـ آمدنت به جنگل را نمی‌دانم اما آن سگ که صدای واق‌واق‌اش را چند لحظه قبل شنیدی، پیدایت کرد. من هم آوردمت این‌جا.

و دوباره تکرار کرد: «و امیدوارم کار اشتباهی نکرده باشم.»

از بیرون، گاه‌گاهی صدای واق‌واق سگ می‌آمد. نگاه مرد مستقیم و درخشنده اما چهره‌اش خالی از غرور و گردن فرازی بود. به فکر لبخند زدن نیفتادم. نیم‌نگاهی به ساعت دیواری که به چوب‌های قهوه‌ای کلبه کوبیده شده بود، انداختم:

- چند وقت است؟

- سه روز، سه روز تمام بیهوش بودی!

مرد چشــم‌ها را بست و خاموش شد. در حقیقت خسته بود، این را می‌شد از زنگ صدایش که از بی‌خوابی دورگه شــده بود، دانست. خواستم دوباره اطرافم را وارســی کنم اما پلک‌هایم اجازه نداد و دوبــاره به خوابی طولانی فرو رفتم. وقتی بیدار شدم هوا تاریک تاریک بود و نور زرد فانوس کوچکی به اتاق می‌ریخت، مرد دیگر روی صندلی نبود و کنار بخاری ایستاده بود، بی‌حرکت ماندم و سعی کردم به آن چه گذشــته بود، فکر کنم. وقتی از ماشین به بیرون پرتاب شدم، شب بود، به‌خاطر نمی‌آوردم از جنگل گذشــته باشــم. انگار آن قسمت از حافظه‌ام قبل از بیهوشی به کلی پاک شــده بود. برای دومین بار از مرگ حتمی گریخته بودم. با خودم فکر کردم: «چه کسی می‌داند، مرگ کی و کجا به سراغش می‌آید؟ درست زمانی که انتظارش را نداشتم، دستی مرا به زندگی بازگردانده بود و روزی به حتم وقتی در آســایش و آرامش به ســر می‌برم، همان دست مرا به سرایی می‌برد که بازگشتی ندارد.»

ترس باعث نجاتم شده بود، ترس از مردن در آن مکان دور افتاده، بدون این‌که کسی از حالم خبردار شود. دردناک بود، زلیخا یک عمر در انتظار برگشتنم می‌ماند. صدای هر زنگ تلفنی، آمدن یک نامه و صدای در زدن کســی یک امیدواری بود اما چقدر یک مادر می‌توانست انتظار بکشد؟ به یاد علیرضا افتادم و قطره‌ای اشک غلتان غلتان از گوشه پلک‌ها به میان موهایم دوید.

سر چرخاندم بیرون از پنجره فقط درخت بود.

- شما این‌جا تنها زندگی می‌کنی؟

مرد به سردی گفت: «نه!»

با لحنی معذب گفتم:

- همین که حالم خوب شود از این‌جا می‌روم.

- بله! حتم دارم که همین کار را می‌کنی اما قبل از آن باید بدانم از چه کسی مراقبت می‌کنم. باید بدانم که هستی؟ از کجا آمده‌ای و چه کرده‌ای؟

- هیچ! من هیچ کاری نکرده‌ام! من نه دزدم و نه یک جنایتکار!

- اما در میان هذیان‌هایت می‌گفتی که من یک نفر را کشته‌ام!

آه عمیقی کشیدم!

- نه! این درست نیست!

- یعنی تو این حرف را نزدی؟

- شــاید گفته باشــم، بله! حتماً هم گفته‌ام، من ۷۴ روز این حرف را شب و روز گفته‌ام اما باور کنید که من این کار را نکرده‌ام، من تا به حال آزارم به مورچه هم نرسیده!

رجال عصر پهلوی [۲۸]
به روایت اسناد ساواک

احسان نراقی

احسان نراقی-۲۹

همکاری نراقی با ساواک به روایت اسناد

مرحله دوم همکاری مستقیمِ احسان نراقــی با یونســکو، زمانی بــوَد که با امیرعباس هویدا اختــلاف پیدا کرد و ســازمان امنیت نیز، به کنترل او اقدام نمود. در این موقع، بهترین انتخاب، هم برای امیرعباس هویدا که پنهان‌کاری‌های او را برنمی‌تابیــد و هم برای نراقی، که سخت تحت فشــار بود، دوری از ایران بــود و این مهم، از طریق رنه مائو، که از قضا با هویدا نیز دوســتی داشت، عملی شــد. ابتدا برای شــرکت در کنفرانس «مسائل آموزشی و فرهنگی و اجتماعی جوانــان» به رومانی رفــت[۲۷۰] و پس از آن نیز، مجلــس تودیعی با عنوانِ «بزم بدرود»[۲۷۱]، در «رستوران فرید» برگزار و او، راهی پاریس و ساکن آنجا شد.[۲۷۲]

حضــور احســان نراقی در ســازمان یونســکو، آن هم به عنوان «ریاست بخش جوانان» که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، نشانگر حُسنِ اعتمادی بود که نسبت به او وجود داشت. به همین علت اســت که نماینده ثابت ایران در «سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد»، برای او نوشت:

«موجب نهایت مسرت است که یکی از برجســتگان علم و ادب ایران، با منصب مهمی در یکی از بزرگترین مراکز فرهنگی بین‌المللی جهان یعنی یونسکو راه پیدا می‌کند.»[۲۷۳]

بنابر اعترافِ احسان نراقی، البته سال‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سازمان یونسکو، سازمانی غرب‌گرا بود که با اهدافی خاص، در جهت منافع کشورهای استعماری به فعالیت مشغول بود:

«من، باید به عنوان کسی که سابقهٔ چندین سال کار در یونسکو دارد، اعتراف بکنم، که یونسکو هم در این مدت بیست ساله، ندانسته مشوق این وضع [سیستم آموزش غلط] بوده است... به تازگی یونسکو دریافته اســت، که دچار یک نوع دید به اصطلاح غرب مآبانه بوده و همه کشــورها و همه فرهنگ‌ها را از یک زاویه نگاه کرده و یک نوع نظام آموزشی را برای همه جا تشویق کرده است.»[۲۷۴]

و این حقیقتی بود که توسط دانشجویی به نام: مهدی علی‌نیا، در دی ماه سال ۱۳۴۹ش، خطاب به احسان نراقی، که به ایران آمده و بنا به دعوت یکی از اساتید علوم اجتماعی در کلاس درس او حاضر شده بود، بیان شد:

«آنان با وســایل تبلیغاتی مردم را از واقعیت منحرف می‌کنند و سازمان یونسکو را باید بین‌الدولی خواند نه بین‌المللی.»[۲۷۵]

براساس گزارشی که پیرامون این گفت و شنود تهیه شد، بخش ۳۲۲ ساواک، گردش کاری در دو صفحه از ســوابق وی تهیه و نراقی را به تشویق غیرمستقیم دانشــجویان به اخلالگری متهم کــرد؛ ولی در ذیــل این خلاصه پرونده نوشته شد:

«نامبــرده، با اداره یکم کل ســوم و معاونــت دوم اداره کل، همکاری‌هایی دارد. در صورت تصویب، گزارش فوق که اظهارنظر رهبر عملیات مربوط می‌باشد، به اســتحضار معاون دوم رئیس بخش برسد. قهرمانی . ۴۹/۱۱/۱»[۲۷۶]

احســان نراقی، در مدت حضور در فرانسه، در دانشگاه آزمایشی «ونسن»که تقریباً همزمان بــا حضور او در پاریس، توســط «ادگار فور» وزیر وقت آموزش فرانسه راه‌اندازی شده بود، به تدریس جامعه‌شناســی نیز مشغول بود.[۲۷۷]

نفر دوم از راست؛ احسان نراقی

گزارش بخش ۳۲۲ ساواک: «نامبرده،[احسان نراقی] با اداره یکم کل سوم و معاونت دوم اداره کل، همکاری‌هایی دارد. در صورت تصویب، گزارش فوق که اظهارنظر رهبر عملیات مربوط می‌باشد، به استحضار معاون دوم رئیس بخش برسد. قهرمانی . ۴۹/۱۱/۱»

پــس از پیــروزی انقلاب اسلامی، باز هم سازمان یونسکو، مأمن و پناهگاه احسان نراقی بود تا با اســتفاده از سابقه فعالیت در آن و همچنیــن بهره‌گیری از روابــط و امکاناتِ موجود، به تطهیر رژیم شاهنشاهی و تقبیح جمهوری اسلامی بپردازد؛ کما اینکه در دوران جنگ تحمیلی، که جوانانِ غیرتمند کشــور، با تمام نابرابری‌هــای تجهیزاتی، سینه به سینه دشمنان بعثی و در حقیقت، سینه به سینه دنیایِ استکبار و استعمار غرب و شرق ایســتاده بودند، از این موقعیت استفاده کرد و مدیرکل یونسکو را به بهانه شرکت در «هزاره فردوسی» به ایران آورد؛ و برای مقابله با تفکری که در جریان دفاعِ مقدس وجود داشــت، با زیرکی، نطقی برای او تهیه کرد، که طلیعهٔ آن، این شــعر فردوسی بود: «که نابود باد هر که او جنگ خواست»[۲۷۸]

احســان نراقی، سال‌ها برای یونسکو و اهداف آن زحمت کشیده بود و این توانایی را داشت تا این سازمان عریض و طویل، در برخی از موارد، با خواسته‌های خود، که همانا خواسته دشمنان بود، هماهنگ نماید که این اتفاق، در جریان جایزه جشنواره کن، با حضور کیارستمی و عمل غیراخلاقی او، لباس عمل پوشید:

«وقتی مراسم را از تلویزیون دیدم، به دوستان گفتم: با تعصب موجود در فضای ایران، کار کیارستمی به جاهای باریک خواهد کشید و برای جبران این اتفاق باید فکری کرد. به ماریو پیشــنهاد کردم در مجمع عمومی یونسکو، در چند ماه آینده که وزیران فرهنگ جهان می‌آیند، یک شب فیلم طعم گیلاس را نمایش بدهیم و جایزه‌ای هم به کیارستمی اعطا کنیم... می‌خواستیم ضربه بوسه دونوو را خنثی کنیم.»[۲۷۹]

پی نوشت‌ها در دفتر روزنامه موجود است

آگهی تمدید مدت و اصلاح مناقصه عمومی دومرحله‌ای نوبت اول (۶۴/۹۴۲۴)

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان اردبیل

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی استان اردبیل، مناقصه پروژه تکمیل ساختمان تروما و سوختگی مرکز آموزشی و درمانی امام خمینی(ره) اردبیل را طبق تاریخ ذیل تمدید و اصلاح می‌نماید، لذا شرکتهای دارای صلاحیت برای اطلاع از شرایط مناقصه می‌توانند به شرح ذیل اقدام نمایند.

خرید اســناد: از روز چهارشــنبه مورخه ۱۳۹۴/۱۱/۲۸ لغایت ساعت ۱۴:۰۰ روز شنبه مورخه ۱۳۹۴/۱۲/۱

تسلیم اسناد به دبیرخانه: لغایت ساعت ۱۴:۰۰ روز دوشنبه مورخه ۱۳۹۴/۱۲/۳

تاریخ و محل گشایش اسناد: روز سه‌شــنبه مورخه ۱۳۹۴/۱۲/۴ راس ساعت ۱۱:۰۰ قبل از ظهر در ستاد مرکزی دانشگاه واقع در انتهای خیابان دانشگاه اول شهرک کوثر محــل تهیه/ خرید اســناد: اردبیــل- انتهای خیابان دانشــگاه- جنب شــهرک دادگستری- ستاد مرکزی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل- واحد امور قراردادها

محل تسلیم اسناد: دبیرخانه ستاد مرکزی دانشگاه واقع در انتهای خیابان دانشگاه- جنب شهرک دادگستری

مبلغ سپرده شرکت در مناقصه: ۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (سه میلیارد ریال)

هزینه تهیه اســناد: ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال (دو میلیون ریال) واریز به شــماره حساب ۲۱۷۸۵۸۰۸۰۴۰۰۹ نــزد بانک ملی شــعبه مرکزی اردبیل به نام دانشــگاه علوم پزشکی اردبیل

رتبه مورد نظر: **حداقل (ابنیه۴- تاسیسات۴) از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشــور و گواهی صلاحیت ایمنی پیمانکاران مورد تایید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به نام شــرکت پیمانکار (شخص حقوقی) و فرم آخرین نظریه حسابرسی منتهی به سال ۱۳۹۲ یا سال ۱۳۹۳ در مورد اسناد و مدارک مالی شرکت پیمانکاری که به تایید سازمان امور مالیاتی رسیده باشد.**

مدت اعتبار پیشنهادات: ۴۰ روز کاری می‌باشد.

داوطلبان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۳۳۵۲۲۱۹۱-۰۴۵ دفتر فنی و عمرانی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل تماس حاصل نمایند یا به سایت اینترنتی دانشگاه به نشانی زیر مراجعه نمایند.

http://poshtibani.ac.ir/fa/vc-poshtibani

هزینه درج آگهی در نشریات به عهده برنده مناقصه خواهد بود.

روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی استان اردبیل

خواهان بابک نجف‌آبادیها دادخواســتی به طرفیت خوانده پرویز اسدی به خواسته مطالبه خسارت دادرســی و مطالبه خسارت تاخیر تأدیه و مطالبه خسارت و پرداخت حق‌الوکاله تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرستان شهرســتان قزوین نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی قزوین واقع در قزوین - خیابان دانشگاه - جنب پارک الغدیر - دادگستری کل استان قزوین ارجاع و به کلاســه ۹۴۰۹۹۸۲۸۱۰۳۰۰۲۹۴ ثبت گردیده که وقت رســیدگی آن ۱۳۹۴/۱۲/۹ و ساعت ۱۲:۳۰ تعیین شده است. به علت مجهول‌المکان بودن خوانده و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرســی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دســتور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشــانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.

شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی قزوین

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای/خانم حبیب‌اله زمانی شیری دارای شماره شناسنامه ۱۶۸ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۴۰۹۹۸۲۸۹۰۱۰۰۰۵۵۳ از این شــورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان عزت‌اله زمانی شیری به شماره ملی ۵۰۹۹۶۵۴۵۰۹ در تاریخ ۱۳۹۴/۸/۱۱ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به:
۱- حبیب‌اله زمانی شیری دارای ش.ش ۱۶۸ پسر متوفی ۲- حجت زمانی شیری دارای ش.ش ۴۰ پسر متوفی ۳- عباس زمانی شیری دارای ش.ش ۸۷ پسر متوفی ۴- رقیه زمانی شیری دارای ش.ملی ۵۰۹۰۰۸۱۷۹۴ دختر متوفی ۵- مریم زمانی شــیری دارای ش.ملی ۵۰۹۰۲۴۵۰۵۸ دختر متوفی ۶- زهرا زمانی شیری دارای ش.ملی ۵۰۹۰۱۵۸۰۷۱ دختر متوفی ۷- فاطمه داداش‌پور ـ سگزآبادی دارای ش.ش ۲۷۸۷ همسر متوفی.
اینــک با انجام تشــریفات مقدماتی درخواســت مزبور را در یــک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کســی اعتراضی دارد و یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

قاضی شعبه دوم شورای حل اختلاف شهر بوئین‌زهرا

آگهی تغییرات شرکت تجهیز آب کاوه سهامی خاص به شناسه ملی ۱۰۹۸۰۰۷۴۲۱۶

به موجب نامه شــماره ۲۰/۹۴/۱۸۶۷۰ مــورخ ۱۳۹۴/۶/۲۲ اداره ثبت اســناد و املاک شهرستان اراک و مستند به صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مــورخ ۱۳۹۴/۰۵/۲۵ مرکز اصلی شــرکت تجهیز آب کاوه ســهامی خاص به تهران - اتوبان همت غرب- خیابان شــهید کبیری طامه- نبش کوچه یاسمن- پلاک ۱۵- طبقه ۳- واحد ۱۱- کد پستی ۱۴۷۵۸۷۶۵۸۹ انتقــال یافت و در اداره ثبت شــرکت‌ها و موسســات غیرتجاری تحت شماره ۴۷۹۶۰۵ به ثبت رسیده است.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

آگهی تغییرات شرکت پایاپلاستیک تهران سهامی خاص به شماره ثبت ۱۸۶۷۲۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۸۷۷۵۶

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۶/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

محل شــرکت در واحد ثبتی تهران بــه آدرس تهران خیابان آفریقا (نلسون ماندلا) خیابان نیلوفر پلاک ۱۹ طبقه اول شرقی کد پســتی ۱۹۶۷۷۵۷۶۱۸ تغییر یافت. محمد تجویدی به شماره ملی ۰۰۴۸۷۱۵۵۹۱ به ســمت عضو و رئیس هیئت مدیره و علی تجویدی به شــماره ملی ۰۰۷۳۵۷۸۹۳۲ به ســمت عضو و نائب رئیس هیئت مدیره و فاطمه گراتی به شماره ملی ۰۰۵۲۵۳۸۴۰۰ به سمت عضو و مدیر عامل برای مدت دو سال انتخاب شدند.

کلیه اســناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، عقد قرارداد و عقود اسلامی با امضاء رئیس هیئت مدیره به تنهایی و همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب و تعیین سمت هیئت مدیره، تعیین وضعیت حق امضاء، تغییر محل (تغییر نشانی در یک واحد ثبتی) انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقــی مرقوم ثبــت و در پایگاه آگهی‌های ســازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

متن آگهی

آقای محمدجواد کیخســروی فرزند محمدصدیق با توجه به اینکه حسب شکایت آقای شعیب پیرخضری، به اتهام ســرقت، تحت تعقیب این دادگاه می‌باشید به‌واسطه مجهول‌المکان بودن و به استناد ماده ۱۸۰ قانون آیین دادرســی کیفری مصوب ۱۳۷۸ به شما ابلاغ می‌گردد که در مورخه ۱۳۹۵/۱/۱۷ ساعت ۱۲ ظهر، در جلسه دادگاه حاضر شوید در غیر این صورت تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد شد.

مدیردفتر شعبه سوم دادگاه کیفری ۲ سنندج- حسینی

متن آگهی

به موجب درخواست خواهان سامان خشنودی مبنی بر دعوت خوانــدگان ذیــل ۱- نادیا مرادی ۲- عرفــان نایبی ۳- حیدر الماســی ۴- عابد احمدی ۵- مجتبی رســتمی ۶- محمدرضا مســتجاب‌الدوله ۷- عطاءاله علی مرادی ۸- ســامان کریمیان ۹- محمدصدیــق احمدی‌زر ۱۰- برهان عبداللهی و با توجه به مجهول‌المکان بودن نامبردگان و به اســتناد ماده ۱۸۰ قانون آیین دادرســی کیفری مصوب ۱۳۷۸ به افــراد نامبرده ابلاغ می‌گــردد که در مورخه ۱۳۹۵/۱/۱۷ ســاعت ۱۰صبح، جهت رسیدگی به دعوی اعسار خواهان در جلسه دادگاه حاضر شوید در غیر این صورت تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد شد.

مدیر دفتر شعبه سوم دادگاه کیفری ۲ سنندج- حسینی

«آگهی ابلاغ اتهام/ رأی»

آقای قهرمان رضایی فرزند منصور به شــماره شناســنامه۵۳۵ متولد ۵۲/۵/۱۴ (فیروزآباد فارس) در اجرای تبصره ۲ ماده ۴ قانون رســیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ برای دریافت برگ رأی شماره ۹۷۳۲ مورخ ۹۴/۱۰/۱۷ ارسال شده از هیئت بدوی رســیدگی به تخلفــات اداری کارمندان آموزش و پرورش به امور اداری مدیریت آموزش‌وپرورش شهرستان کوار مراجعه نمایند.

رضا عبیدی- مدیر آموزش و پرورش شهرستان کوار

آگهی فقدان مدرک تحصیلی نوبت اول

مــدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب زینب بهی فرزند مجتبی به شــماره شناسنامه ۳ صادره از کردکوی در مقطع کارشناسی رشته حسابداری صادره از واحد دانشگاهی آزاد علی‌آباد کتول با شماره ۱۸۴۰۰۰۰۲۰ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشــد. از یابنده تقاضا می‌شــود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی‌آباد کتول ارسال نماید.

آگهی تغییرات شرکت ارسنجان بام شرق شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۱۵ و شناسه ملی ۱۰۹۸۰۰۷۴۵۸۰

به استناد صورتجلســه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱- سمت اعضــاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: آقای حمیدرضا یارمحمودی به شــماره ملی ۶۴۸۹۸۵۸۱۷۷ به سمت رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل، آقای فضل‌اله رحیمی‌پور شماره ملی ۵۴۸۹۵۷۳۱۱۲ به سمت نایب رئیس، خانم بهجت نعمت‌اللهی شماره ملی ۶۴۸۹۸۳۴۹۸۷ به ســمت عضو هیئت مدیره، ۲- دارندگان حق امضا: کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی به امضاء مشترک حمیدرضا یارمحمودی و فضل‌اله رحیمی‌پور همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می‌باشد.
بــا ثبت این مســتند تصمیمات تعیین دارندگان حق امضاء، انتخاب و تعیین ســمت هیئت مدیره انتخاب شــده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان فارس
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ارسنجان

آگهی تغییرات شرکت ارسنجان بام شرق شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۱۵ و شناسه ملی ۱۰۹۸۰۰۷۴۵۸۰

به استناد صورتجلســه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱- اعضــاء هیئت مدیره به قرار ذیل انتخاب شــدند: آقای حمیدرضا یارمحمودی به شــماره ملــی ۶۴۸۹۸۵۸۱۷۷، آقای فضل‌اله رحیمی به شــماره ملــی ۵۴۸۹۵۷۳۱۱۲، خانم بهجت نعمت‌اللهی به شماره ملی ۶۴۸۹۸۳۴۹۸۷ برای مدت دو سال انتخاب شدند.
۲- خانم راضیه کشــاورز به شــماره ملــی ۶۴۸۹۹۵۲۲۰۳ به عنوان بــازرس اصلی و آقای غلامحســین یارمحمودی به شــماره ملی ۶۴۸۹۶۱۴۲۵۱ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک ســال مالی انتخاب گردید. ۳- روزنامه کثیرالانتشــار خبر جنوب جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
با ثبت این مســتند تصمیمات انتخاب بازرس، انتخاب مدیران، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار انتخاب شــده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان فارس
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ارسنجان

آگهی تغییرات شرکت ارسنجان بام شرق شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۱۵ و شناسه ملی ۱۰۹۸۰۰۷۴۵۸۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱- محل شرکت در واحد ثبتی ارسنجان به آدرس شهرستان ارسنجان بخش مرکزی- دهستان خیریز- ج بطرف دهک- کد پستی ۷۴۹۵۱۵۳۷۱۱ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید.
با ثبت این مســتند تصمیمات تغییر محل (تغییر نشــانی در یک واحد ثبتی) انتخاب شــده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شــخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان فارس
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ارسنجان

آگهی فقدان مدرک تحصیلی

نوبت دوم

مــدرک فارغ‌التحصیلی اینجانــب علیرضا بالاجلینــی فرزند حجت به شماره‌شناســنامه ۲۱۸۱ صادره از گرگان در مقطع کارشناســی رشته کشــاورزی (زراعت و اصلاح نبات) صادره از واحد دانشگاه آزاد گرگان با شماره ۸۲۱۷۳۰۰۹۷۵۹۲ مفقود گردیده و فاقد اعتب